

تاثیر نسبت نقدینگی و بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانک‌های بوری و فرابورسی

زهرة قوام مسعودی

عضو هیات علمی گروه بانکداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Z_ghavami@azad.ac.ir

محمدامین علی اکبری

کارشناسی ارشد مدیریت مالی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Aliakbarimohammadamin1@gmail.com

چکیده

هدف این تحقیق تاثیر نسبت نقدینگی و بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها بوده است. قلمرو مکانی این تحقیق بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی سال های بین ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ بوده است. تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد، چنانچه طبقه بندی انواع تحقیقات بر اساس ماهیت و روش را مدنظر قرار گیرد، روش تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت در زمره تحقیقات توصیفی قرار داشته و از نظر روش نیز در دسته تحقیقات علی محسوب می گردد. در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات، از روش کتابخانه ای استفاده شد. در بخش داده های پژوهش از طریق جمع آوری داده های شرکت های نمونه با مراجعه به صورت های مالی، یادداشت های توضیحی و ماهنامه بورس اوراق بهادار انجام پذیرفت. بر اساس روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۲۰ بانک به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. به منظور توصیف و تلخیص داده های جمع آوری شده از آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. به منظور تحلیل داده ها ابتدا پیش آزمون های ناهمسانی واریانس، آزمون F لیمر، آزمون هاسمن و آزمون جارک- برا و سپس از آزمون رگرسیون چند متغیره برای تایید و رد فرضیه های تحقیق (نرم افزار ایویوز) استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان داد نسبت نقدینگی بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است. بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است.

واژگان کلیدی: نسبت نقدینگی، بازده حقوق صاحبان سهام، نرخ سود تضمین شده سپرده.

مقدمه

یکی از ابزارهای لازم و موثر برای توسعه اقتصادی کشور، وجود نظام بانکی کارآمد است. بانکها نبض فعالیت های مالی هستند و وضعیت حاکم بر آنها می تواند تاثیر مهمی بر سایر بخش های اقتصادی یک جامعه داشته باشد. بانکها با سازماندهی و هدایت دریافتها و پرداختها، مبادله های تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده و موجب گسترش بازارها، رشد و شکوفایی اقتصادی می شوند. با این حال، در سال های اخیر صنعت بانکداری به دلایل مختلفی از قبیل خطر یا هزینه های ناشی از نوسان های نرخ بهره، تورم، ارز و یا بازپرداخت نشدن تسهیلات پرداختی با چالش های متعددی روبرو شده اند. تداوم و شدت چنین چالش هایی برای صنعت بانکداری در دنیا و کشورها بحران های متعدد اجتماعی را رقم زده است. وجود چنین پیامدهایی، مسئولان نهادهای نظارتی و اجرایی سیستم های مالی را بر آن داشته است تا مدیریت ریسک نهادهای مالی و به خصوص بانکها را با جدیت بیشتری و کارشناسانه تری مورد توجه قرار دهند. به تبع این

مساله، آگاهی از میزان اثرگذاری ریسک‌های مهم بانکی بر عملکرد نظام بانکی باهدف مدیریت ریسک‌های مذکور و پیامدهای نامطلوب آن‌ها حائز اهمیت است (جیمز^۱، ۲۰۲۱).

در ایران بخش قابل توجهی از دارایی‌های مالی در قالب سیستم بانکی به صورت سپرده‌های بلند مدت و کوتاه مدت سرمایه‌گذاری می‌شود که بانک‌ها با بهره‌گیری از این سپرده‌ها در فعالیت‌های تولیدی سرمایه‌گذاری می‌کنند. از سوی دیگر نقش منحصر به فرد سیستم بانکی در جذب سپرده و تأمین و تجهیز منابع مالی به دلیل فقدان بازارهای مالی گسترده، بسته‌های نامناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی، نرخ پایین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در کشور اهمیت دو چندان دارد. به این دلیل است که می‌بایست راهکار مناسبی در تعیین نرخ سود سپرده‌های بانکی اتخاذ نمود، که از خروج سرمایه‌گذاری جلوگیری کند و سرمایه را کد را به سمت سیستم بانکی هدایت نماید. از سویی دارایی‌های ثابت در مقابل تورم مصنوعی از ریسک می‌باشند، اما این موضوع در خصوص دارایی‌های مالی صدق نمی‌کند. این امر منجر به گسترش دارایی‌های ثابت افراد و کاهش دارایی‌های مالی شده است. از آنجا که بانک‌ها نقش تأمین نقدینگی کوتاه مدت و گاه بلند مدت بنگاه‌ها را ایفا می‌کنند، کاهش دارایی‌های مالی (سپرده‌های بانکی) در مقابل دارایی‌های ثابت به دلیل عدم تکافوی نرخ سود اسمی در مقابل نرخ تورم، مشکلاتی در زمینه تأمین نقدینگی، خروج سرمایه و حتی نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری به وجود می‌آورد (نوفرستی و همکاران، ۱۴۰۰).

به طور کلی بانک‌ها، مؤسسات مالی هستند که وجوه را کد را جمع‌آوری کرده و به متقاضیان حقیقی و حقوقی تسهیلات مالی می‌دهند. در واقع با این کار به جریان رشد اقتصادی کشور کمک می‌کند و منابع مالی از اشخاصی که بنا به هر دلیل از قبیل؛ نداشتن تخصص و دانش، کمی حجم سرمایه و ریسک سرمایه‌گذاری کردن، نمی‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی کشور سهیم باشند، دریافت و در اختیار افراد مولد قرار می‌دهند (صدقی، ۱۳۹۶).

بنابراین مساله اصلی پژوهش حاضر تاثیر نسبت نقدینگی و بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها می باشد. بانک‌ها موسساتی هستند که از محل سپرده‌های مردم می‌توانند سرمایه‌های لازم را در اختیار صاحبان واحدهای صنعتی، کشاورزی و بازرگانی و اشخاص قرار دهند. تکامل بانکداری به زمانی که نوشتن به وجود آمد برمی‌گردد و اکنون به عنوان یک واسطه مالی که به بانکداری و ارائه خدمات فاینانس می‌پردازد هم چنان رو به تکامل است. اما در حال حاضر عموماً واژه بانک به موسسه‌ای گفته می‌شود که مجوز بانکداری داشته باشد (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰).

مجوز بانکداری توسط دستگاه‌های نظارت مالی اعطا می‌شود و حق ارائه اغلب خدمات مهم بانکی از قبیل پذیرش سپرده‌ها و دادن وام را می‌دهد. موسسه‌های مالی دیگری هم وجود دارند که تعریف حقوقی بانک را ندارند و در اصطلاح موسسه اعتباری غیر بانکی نامیده می‌شوند و بانک‌ها زیرمجموعه‌ای از صنعت خدمات مالی هستند. به طور معمول سود بانک‌ها از طریق کارمزد انجام خدمات مالی و نیز بهره‌ای که از راه سپرده‌های مشتریان به دست می‌آید حاصل می‌شود. در ایران بانک‌ها به عنوان یک موسسه‌ی اقتصادی از طریق عقود متفاوت اسلامی با مشتریان مشارکت کرده، سود حاصل می‌کنند (باغستانی و رحیمی، ۱۴۰۰).

مبانی نظری پژوهش

هنگامی که اقتصاد در دوره رونق قرار می‌گیرد، شاخص بورس (شاخصی پیشرو و معروف به دماسنج اقتصاد در ادبیات اقتصاد مالی) نیز هم جهت با رشد اقتصادی از روندی مثبت برخوردار است و اشتیاق برای ورود به بازار سهام به دلیل

¹ Jimnes

² Zhang et al

سودآور بودن آن نسبت به نگهداری دارایی‌ها به صورت پول نقد افزایش می‌یابد و این افزایش تقاضا برای سرمایه گذاری در بازار سهام منجر به تغییر ترکیب سپرده‌های بانکی به سمت سپرده‌های فرار و خروج سپرده‌ها و در نهایت کمبود نقدینگی و افزایش ریسک نقدینگی خواهد شد. اما در دوران رکود، بازده سپرده‌های بانکی جذاب تر از درآمدزایی دارایی‌هایی چون طلا، ارز و مانند آنهاست، بنابراین به سبب کاهش میزان تقاضا و تمایل برای ورود به بازار سهام، بانک‌ها با مشکل کمبود نقدینگی مواجه نخواهند شد. همچنین نوسان نرخ تورم اثری مثبت بر ریسک نقدینگی بانک‌ها دارد و در واقع به افزایش آن مینجامد که این نیز با مبانی نظری و شواهد تجربی سازگاری کامل دارد، زیرا افزایش نوسان در نرخ تورم منجر به ایجاد نوسان در ارزش کل دارایی‌ها (دارایی‌های نقد و نرخ بازده دارایی‌ها) شده و بنابراین در چنین شرایطی ترکیب سپرده‌های بانکی تغییر یافته (از سپرده‌های مدت دار به سپرده‌های فرار) و تقاضای سپرده‌گذاران برای خروج سپرده‌های خود و ورود به بازارهای موازی افزایش می‌یابد، این خروج ناگهانی سپرده‌ها از بانک‌ها منجر به بروز مشکلات ناشی از کمبود نقدینگی شده و بانک‌ها را در معرض ریسک نقدینگی بالاتری قرار می‌دهد (کفائی، م. راهزانی، م. ۱۳۹۵). سرمایه رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که به آن بانک اجازه می‌دهد که هنگام رویارویی با مشکلات کلان اقتصادی، این ادعا که متغیرهای اقتصادی مانند نرخ بهره، تولید ناخالص داخلی، شاخص قیمت سهام، تورم، رشد نقدینگی و مؤثر بر تغییرات قیمت‌های سهام هستند به عنوان یک تئوری مورد پذیرش واقع شده است. به هر حال، در دهه گذشته تلاش‌هایی برای بررسی تأثیر نیروهای اقتصادی به صورت نظری و سنجش آثار آن به صورت تجربی انجام شده است. رابطه پویای بین متغیرهای اقتصاد کلان و نرخ سود سپرده بانکی به صورت گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. مبنای تحقیقات مزبور بر این تئوری استوار است که قیمت‌های سهام منعکس کننده ارزش فعلی جریانهای نقدی آینده آن سهم است (مدل ارزش فعلی). به این دلیل، هم به جریانهای نقدی آینده و هم به نرخ بازده مورد انتظار (نرخ تنزیل) نیاز است. از این رو، متغیرهای اقتصادی هم بر جریانهای نقدی آینده و هم بر نرخ بازدههای مورد انتظار اثرگذار هستند، بنابراین می‌توانند بر نرخ سود سپرده بانکی اثرگذار باشند. امروزه اقتصاد دانان معتقدند سیستم مالی با ثبات پیش نیاز رشد اقتصادی پایدار است و پیش نیاز ثبات سیستم مالی، تعدیل و تنظیم نظام بانکی از طریق کاهش احتمال ورشکستگی بانکی و به عبارتی بهبود ثبات مالی نظام بانکی می‌باشد (تانکویوا و همکاران^۱، ۲۰۱۸). با عنایت به ماهیت عملکرد نظام بانکی همواره عواملی وجود دارند که ثبات و پایداری آن را به خطر می‌اندازند. به ویژه عوامل و مسائل ناشی از نقص ساختاری بازار، اعطای تسهیلات و ناطمینانی به مراتب اثرات مخرب تری را متوجه این نظام می‌کنند. از جمله این عوامل ریسک‌های مالی موجود به ویژه ریسک نقدینگی در نظام بانکی است که بنا بر ماهیت فعالیت این نظام همواره با آن مواجه می‌باشند (ایمبیرویچ^۲، ۲۰۱۴). ریسک در اصطلاح به معنی امکان وقوع یک خسارت و زیان اعم از مالی یا غیر مالی در نتیجه انجام یک فعالیت است. ریسک در هر حیطه‌ای قابلیت مطرح شدن دارد که یکی از این حیطه‌ها، بانک و فعالیت‌های بانکداری است. بانک‌ها به علت اهمیت به سزایی که در نظام اقتصادی دارند در این زمینه مورد توجه خاص قرار می‌گیرند. دلایل وجود ریسک در بانک را با نوع کارکرد آن می‌توان توجیه کرد، چرا که بانک‌ها از یک سو سرمایه‌های مردم را که در قبال آن مسئولیت دارند جمع‌آوری کرده و از سوی دیگر با استفاده از این سرمایه‌ها اقدام به انجام عملیات بانکی و فعالیت‌های اقتصادی می‌کنند. معمولاً بحث در مورد ریسک نقدینگی پس از سقوط بازار سهام شکوفا می‌شود، اما همیشه یک مشکل مستمر در مؤسسات مالی بوده است. داشتن نقدینگی کافی، در موفقیت بانک‌ها برای انجام کارکردشان نقش حیاتی بازی می‌کند. در واقع نقدینگی، توانایی بانک را برای کاهش بدهی‌ها و افزایش دارایی‌ها بالا می‌برد. زمانی که

¹ Tankoyeva et al

² Imbierowicz

بانک نقدینگی کافی نداشته باشد ممکن است با بحران نقدینگی مواجه شود. بنابراین مدیریت نقدینگی یکی از بزرگترین چالش های حال حاضر است که سیستم بانکداری با آن روبرو است (مازین^۱، ۲۰۰۹).

دلیل اصلی این چالش این است که بیشتر منابع بانک ها از محل سپرده های کوتاه مدت تأمین مالی می شود. علاوه بر این تسهیلات اعطایی بانک ها صرف سرمایه گذاری در دارایی هایی می شود که درجه نقد شوندگی نسبتاً پایینی دارند (زواریان، ۱۳۸۸). وظیفه اصلی بانک ایجاد توازن بین تعهدات کوتاه مدت مالی و سرمایه گذاری های بلندمدت است. نگهداری مقادیر ناکافی نقدینگی، بانک را با خطر عدم توانایی در ایفای تعهدات و در نتیجه ورشکستی قرار می دهد و نگهداری مقادیر فراوان نقدینگی، نوع خاصی از تخصیص ناکارآمد منابع است که باعث کاهش نرخ سوددهی بانک به سپرده های مردم و در نتیجه از دست دادن بازار می شود (اچاریا^۲، ۲۰۱۵).

یک معیار شناخته شده ای از سودآوری، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام می باشد که اغلب به اختصار بازده حقوق صاحبان سهام یا به بیان خیلی ساده بازده ارزش ویژه نامیده می شود. این نسبت رابطه بین سود (زیان) دریافتی و سرمایه گذاری سهامداران در بانک را بیان می کند. نرخ بازده حقوق صاحبان سهام گویای این است که چه میزان بازدهی به وسیله سرمایه گذاران بابت وجوه سرمایه گذاری شده توسط آنان ایجاد شده است. استفاده از این معیار در بخش هایی که مدیران در تصمیم های مرتبط با تحصیل دارایی ها، خرید، جنبه های اعتباری، مدیریت وجوه نقد و سطح بدهی های جاری نفوذ زیاد دارند، مناسب است. نرخ بازده حقوق صاحبان سهام نشان دهنده هزینه واقعی استفاده از پول است. در مواردی که هزینه فرصت تصمیم گرفته شده با هزینه وجوه به کار گرفته شده برابر نباشد، مدیر تمایل پیدا می کند به گونه ای عمل کند که بیشترین منافع برای مالکان ایجاد شود و پروژه هایی را با هدف بیشینه ساختن معیار عملکرد انتخاب کند (کنگ و همکاران^۳، ۲۰۰۲).

با وجود حمایت گسترده از معیار نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، به کارگیری این معیار با کاستی هایی بدین شرح همراه است:

۱. با توجه به توانایی مدیریت در به کارگیری روش های مختلف حسابداری، مدیریت می تواند به شکل قانونی و در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری سود شرکت را دستخوش تغییر و همراهی با تمایلات شخصی خود سازد. نظر به اینکه سود یکی از عوامل اصلی در محاسبه بازده حقوق صاحبان سهام است، ایراد وارده به نسبت یاد شده نیز تسری می یابد.

۲. در محاسبه این نسبت، هزینه حقوق مالکانه نادیده انگاشته می شود، حال آنکه این منبع گرانترین منبع تأمین مالی است (دِوت و همکاران^۴، ۲۰۰۷).

۳. مدیران قادر هستند بدون هیچگونه بهبود در عملکرد شرکت و تنها از راه تجدید ساختار سرمایه شرکت و از طریق جایگزین کردن حقوق صاحبان سهام با بدهی، این نسبت را فزونی بخشند. استفاده از بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان معیار عملکرد تمایل مدیران را به پذیرش پروژه های نامناسبی که از محل بدهی تأمین مالی شده و نیز رد پروژه های مناسبی که از محل حقوق صاحبان سهام تأمین مالی می شوند، افزایش می دهد (کنگ و همکاران^۵، ۲۰۰۲).

۴. حتی در صورت بهبود نیافتن کارایی دارایی ها، تحت شرایط تورمی بازده حقوق صاحبان سهام افزایش می یابد (دِوت و همکاران^۶، ۲۰۰۷).

¹ Mazin

² Acharya

³ Kang et al

⁴ De Wet et al

⁵ Kang et al

⁶ De Wet et al

۵. این نسبت معیاری با نگرش کوتاه مدت است، لذا تمرکز زیاد بر دوره جاری ممکن است آن را از توجه به فرصت‌های رشد بلندمدت باز دارد (کردجزی، ۱۳۹۴).

کمیته بال (۲۰۰۸) ریسک نقدینگی را فقدان نقدینگی لازم به منظور پرداخت بدهی های کوتاه مدت و خروجی های غیرمنتظره وجوه تعریف کرده است و آن را یکی از متداول ترین ریسک هایی می داند که بانک ها با آن روبرو هستند و این از جمله پدیده هایی است که در سال های اخیر در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رخ داده است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش داخلی

باغستانی و رحیمی (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین نرخ سود و نقدینگی در بانک تجارت پرداختند. نرخ سود، یکی از مؤثرترین کانالهای انتقال پول است که میتواند از طریق تعیین سطح بسیاری از متغیرهای اقتصادی مانند سرمایه گذاری، جریان سرمایه، تقاضای اعتبار، سودآوری بانک، ایجاد نقدینگی و نرخ ارز، به طور بالقوه کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار دهد. از آنجا که منحنی سود میتواند پیشرفتهای آینده اقتصاد را جذب و پیشبینی کند، انتظار میرود که با ایجاد شرایط انتظارات آینده، رفتار و سود بانک را در ایجاد نقدینگی بیشتر تحت تأثیر قرار دهد. لذا در این مطالعه جهت بررسی تأثیر نرخ سود بر نقدینگی از الگوی خود توضیح با وقفه های گسترده (ARDL) استفاده شده است. نتایج نشان داد که متغیر نرخ سود و سرمایه تأثیر مثبت و معنی داری بر نقدینگی دارد، در حالی که نرخ تورم تأثیری منفی دارد. لذا تغییر دستوری نرخ سود بانکی فاقد کارایی لازم برای تحریک بخش واقعی اقتصاد خواهد بود. تعیین نرخ سود بانکی بدون توجه به تغییرات نرخ تورم، قادر نیست توجیه کننده چرایی عدم پس انداز در بانک ها باشد. برای این که دولتمردان بتوانند ابزار لازم برای بانک مرکزی در جهت تحریک بخش واقعی اقتصاد را فراهم آورند، ضروری است در کنار اختیار دادن به بانک مرکزی برای منطقی کردن نرخ سود بانکی، به کاهش ریسک اقتصادی نیز همت گمارند. در این صورت، بانک مرکزی قادر خواهد بود از نرخ سود بانکی به عنوان ابزاری کارآمد برای مدیریت نقدینگی و تبدیل آن به جریان سرمایه گذاری و تولید استفاده کند.

نوفرستی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر تغییر نرخ سود سپرده های مدت دار، به عنوان یکی از مهمترین منابع تأمین اعتبار بانک ها از مسیر سیستم بانکی بر سطح کلان اقتصاد ایران، در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری، طی دوره ۱۳۹۶-۱۳۵۲ پرداختند. در این راستا، ابتدا به تدوین الگو با تمرکز بر سیستم بانکی کشور پرداخته شد. در مرحله بعد، به منظور مشاهده اثر تغییر نرخ سود سپرده بانکی، سه سناریوی افزایش، کاهش و سیاست میخکوب کردن نرخ سود، در الگو لحاظ گردید. نتایج نشان می دهد، میان نرخ سود سپرده و تولید ناخالص داخلی، رابطه منفی برقرار است. همچنین افزایش نرخ سود سپرده های مدت دار از مسیر منابع آزاد اعتباری بانک ها، به افزایش میزان اعتباردهی سیستم بانکی منجر می شود که اثر مستقیم بر سرمایه گذاری دارد و از طرف دیگر، افزایش نرخ مذکور، به افزایش هزینه استفاده از سرمایه منتهی می گردد و تأثیر معکوس بر سرمایه گذاری دارد که در مجموع، اثر هزینه استفاده از سرمایه، قوی تر بوده و بنابراین، سرمایه گذاری کاهش، و تولید نیز ۰/۶۶ درصد کاهش می یابد. در سناریوی کاهش نرخ سود سپرده، نتایج عکس مشاهده گردید و میزان تولید ۰/۷۱ درصد افزایش یافت. در حالی که تحت سناریوی میخکوب کردن نرخ سود سپرده مدت دار در ۱۷ درصد، میزان تولید ۰/۴۶ درصد افزایش پیدا کرد. بنابراین در مجموع، افزایش نرخ سود سپرده، بر اساس نظریه مک کینون و شاو، مورد تأیید قرار نگرفت و به کاهش تولید منجر گردید.

پیشینه پژوهش خارجی

تابی و همکاران^۱ (۲۰۲۲) به بررسی تاثیر عوامل کلان اقتصادی بر رابطه بین نرخ سپرده و نقدینگی بانکها پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود بین نرخ سپرده و نقدینگی بانکها رابطه معنادار وجود دارد. نرخ تورم بر رابطه بین نرخ سپرده و نقدینگی بانکها تاثیرگذار است. رشد تولید ناخالص داخلی بر رابطه بین نرخ سپرده و نقدینگی بانکها تاثیرگذار است.

جیمز و همکاران^۲ (۲۰۲۱) به بررسی رابطه بین رقابت پذیری و ریسک پذیری در نظام بانکی پرداختند. نتایج تحقیق آنها حاکی از آن بود که بین رقابت پذیری و ریسک پذیری در نظام بانکی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین چرخه تجاری بر رابطه بین رقابت پذیری و ریسک پذیری در نظام بانکی تاثیرگذار است.

ژنگ و همکاران^۳ (۲۰۲۰) به بررسی تاثیر کفایت سرمایه بر رابطه بین نرخ سود سپرده و ریسک پذیری بانکها پرداختند. نتایج تحقیق آنها حاکی از آن بود که بین نرخ سود سپرده و ریسک پذیری در نظام بانکی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین کفایت سرمایه بر رابطه بین نرخ سود سپرده و ریسک پذیری بانکها تاثیرگذار است.

پاول^۴ (۲۰۱۹) به بررسی عرضه گواهی سپرده باتوجه به نرخ تورم و شاخص قیمت سهام پرداخت. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که نرخ تورم و شاخص قیمت سهام بر عرضه گواهی سپرده تاثیرگذار است.

ستورلی^۵ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «مدیریت نقدینگی در بانکهای جهانی ایالات متحده: در زمانی که بازار سرمایه داخلی در رکود بزرگ است» به بررسی تاثیر نقدینگی بر نرخ بازده حقوق صاحبان سهام می پردازد. در این تحقیق، اندازه، پرداخت بدهی، نقدینگی و تنوع سرمایه گذاری به عنوان متغیرهای مستقل و بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان متغیر وابسته معرفی شده است. داده ها از فصل اول سال ۲۰۱۶ تا فصل چهارم سال ۲۰۱۷ انتخاب شده اند و مدل این پژوهش مبتنی بر حداقل مربعات معمولی می باشد. نتایج این پژوهش نشان می دهند، دو متغیر نقدینگی و بازده حقوق صاحبان سهام در بانکهای آمریکا رابطه مثبت و معناداری دارند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش گردآوری داده ها، توصیفی- علی محسوب می شود. توصیفی از آن جهت که یافته ها به همان صورت که جمع آوری شده اند، بدون هیچگونه دستکاری توصیف می گردند و روابط بین متغیرها بررسی شده و رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته مورد بررسی قرار می گیرد. این تحقیق از لحاظ طبقه بندی بر مبنای هدف، کاربردی بوده، چراکه می تواند در فرایند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد. با توجه به ماهیت این پژوهش از دو روش اسنادکاوی و کتابخانه ای برای جمع آوری اطلاعات استفاده می شود. همچنین تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزارهای EXCEL و EViews 11 انجام خواهد شد. جامعه آماری عبارتست از کلیه عناصر و افرادی که در یک مقیاس جغرافیایی مشخص دارای یک یا چند صفت مشترک باشند. هرچه جامعه آماری کوچکتر باشد می توان آن را دقیق تر از یک جامعه آماری بزرگتر مطالعه نمود. جامعه آماری پژوهش حاضر بانک ها و موسسات مالی و اعتباری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۰ در فهرست بانک ها و موسسات مالی و اعتباری بورس قرار گرفته باشند. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند ۲۰ بانک به عنوان نمونه آماری انتخاب شد.

¹ Tabii et al

² Jimnes et al

³ Zhang et al

⁴ Pauol

⁵ Cetorelli

فرضیه های پژوهش

- نسبت نقدینگی بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است.
 - بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است.
- با توجه به تحقیق اکینو و همکاران (۲۰۲۲) مدل رگرسیونی تحقیق به شرح زیر است:

$$DEPOSIT_{it} = a_0 + a_1LIQ_{it} + a_2ROE_{it} + a_3SIZE_{it} + a_5LOAN_{it} + a_6ADQ_{it} + \varepsilon$$

LIQ_{it}: نسبت نقدینگی

SIZE_{it}: اندازه بانک

ADQ_{it}: کفایت سرمایه

DEPOSIT_{it}: نرخ سود تضمین شده سپرده

ROE_{it}: بازده حقوق صاحبان سهام

LOAN_{it}: تسهیلات اعطایی

ε: سطح خطای مدل

متغیرهای پژوهش به شرح زیر است:

متغیر وابسته: نرخ سود تضمین شده سپرده

متغیر مستقل:

نسبت نقدینگی: نسبت دارایی های جاری به بدهی های جاری بانک.
بازده حقوق صاحبان سهام: نسبت سود خالص به کل حقوق صاحبان سهام بانک.

متغیر کنترلی

اندازه بانک: لگاریتم طبیعی دارایی های بانک.
تسهیلات اعطایی: نسبت تسهیلات اعطایی به کل دارایی های شرکت.
کفایت سرمایه: تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

جدول (۱): آماره توصیفی متغیرهای تحقیق

تعداد مشاهدات	بازده حقوق صاحبان سهام	اندازه بانک	نرخ سود تضمین شده سپرده	تسهیلات اعطایی	نسبت نقدینگی	کفایت سرمایه	نام متغیر
:	-۰/۲۸۹	۱۰/۱۱۶	۰/۱۲۰	۰/۰۳۱	۰/۱۴۷	۰/۱۴۷	حداقل
	۰/۸۰۴	۱۹/۲۲۰	۰/۹۵۵	۰/۴۴۹	۰/۵۱۶	۰/۵۱۶	حداکثر
	۰/۴۳۵	۱۶/۳۱۸	۰/۵۷۸	۰/۲۹۵	۰/۴۹۶	۴۹/۰۶	میانگین
	۰/۴۱۵	۱۶/۶۰۱	۰/۶۲۹	۰/۲۳۷	۰/۴۳۸	۰/۴۳۸	میانه
	۰/۱۱۹	۱/۲۸۴	۰/۳۰۳	۰/۱۷۵	۰/۲۰۷	۰/۱۱۲	انحراف معیار
	-۰/۸۰۸	۲/۶۲۹	-۰/۲۱۶	۱/۳۲۹	-۰/۱۲۱	۰/۵۱۲	چولگی
	۵/۱۹۲	۹/۹۴۳	۱/۵۴۴	۳/۷۶۴	۱/۶۸۵	۲/۹۲۳	کشیدگی

با توجه به جدول ۱ همانطور که ملاحظه می شود:

آماره میانگین در ارتباط با متغیر میانگین نسبت نقدینگی عدد ۰/۴۹۶، بازده حقوق صاحبان سهام ۰/۴۳۵، تسهیلات اعطایی ۰/۲۹۵ و نرخ سود تضمین شده سپرده ۰/۵۷۸ می باشد.

آزمون جارکو-برا به منظور بررسی نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق

برای بررسی نرمال بودن متغیر وابسته مدل های پژوهش از آزمون جارکو-برا استفاده شده است. سطح معنی داری آزمون جارکو-برا بزرگتر از ۰/۰۵، به دست آمده است، بنابراین طبق جدول و نمودار زیر متغیر وابسته تحقیق نرمال است.

جدول (۲): بررسی نرمال بودن متغیر وابسته پژوهش

متغیر	نرخ سپرده
آماره جارکو برا	۱/۳۴۴۳۰۳
سطح معنی داری	۰/۵۱۰
مقایسه با ۰/۰۵	بزرگتر
نتیجه آزمون	نرمال است

با توجه به جدول فوق از آنجایی که سطح معناداری متغیر نرخ سود تضمین شده سپرده از ۰/۰۵ بزرگتر است بنابراین توزیع این متغیر نرمال می باشد.

آزمون آرچ به منظور بررسی پیش فرض همسان بودن واریانس باقیمانده ها

یافته های حاصل از آزمون آرچ به منظور بررسی پیش فرض همسان نبودن واریانس جملات باقیمانده مدل پژوهش به شرح جدول زیر می باشد:

جدول (۳): یافته های حاصل از آزمون آرچ

نتیجه	مقایسه با ۵ درصد	سطح معنی داری	آماره F
همسان بودن واریانس جملات باقیمانده	بزرگتر	۰/۱۱۶۶	۰/۵۲۱۸۴۷

با توجه به جدول فوق همانطور که ملاحظه می گردد پیش فرض همسان نبودن واریانس جملات باقیمانده تایید نمی شود. زیرا سطح معنی داری آماره F آزمون آرچ در ارتباط با باقیمانده مدل های پژوهش بزرگتر از ۵ درصد است. بنابراین واریانس باقیمانده ها همسان است.

تعیین روش برآورد مدل های پژوهش

در این مرحله آزمون یافته های حاصل از آزمون لیمر به منظور تعیین شیوه برآورد مدل های پژوهش گزارش می شود. یافته های حاصل از اجرای این آزمون به شرح جدول ۴ می باشد.

جدول (۴): یافته های حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

نتایج	مدل/آزمون
۷/۶۱۲۳۳۲	آماره F آزمون لیمر
۰/۰۰۰۱	سطح معنی داری
کوچکتر	مقایسه با ۵ درصد
پانل (ترکیبی)	نتیجه (روش برآورد مدل)
۵/۰۶۲۵۱۸	آماره Chi-Sq آزمون هاسمن
۰/۰۰۴۱	سطح معنی داری

کوچکتر	مقایسه با ۵ درصد
اثرات ثابت	نتیجه آزمون هاسمن (روش برآورد مدل)
پانل-اثرات ثابت	نتیجه نهایی (روش نهایی برآورد مدل‌های پژوهش)

با توجه به جدول فوق همانطور که ملاحظه می‌گردد:

- سطح معنی داری آماره F آزمون لیمر در ارتباط با مدل تحقیق برابر با ۰,۰۰۰۱ است که این مقدار کوچکتر از ۵ درصد است. بنابراین روش منتخب به منظور برآورد مدل تحقیق، از میان روشهای پولد (تلفیقی) و پانل (ترکیبی)، روش پانل (ترکیبی) می‌باشد. از سوی دیگر سطح معنی داری آماره Chi-Sq آزمون هاسمن در ارتباط با مدل تحقیق برابر با ۰,۰۰۴۱ است که این مقدار کمتر از ۵ درصد است. بنابراین مدل رگرسیون تحقیق به منظور آزمون فرضیه های پژوهش باید به شیوه پانل- اثرات ثابت مورد برآورد قرار گیرد.

برآورد مدل به منظور آزمون فرضیه های پژوهش

در این مرحله مدل تحقیق به روش پانل- اثرات ثابت و شیوه حداقل مربعات معمولی مورد برآورد قرار می‌گیرد. یافته های حاصل از برآورد این مدل در ادامه ارائه می‌گردد.

جدول (۵): یافته های حاصل از برآورد مدل و روشی پانل - اثرات ثابت /متغیر وابسته: نرخ سود تضمین شده سپرده

نام متغیر	ضرایب برآوردی	انحراف برآورد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	۰/۷۲۳	۰/۲۶۵	۲/۷۲۸	۰/۰۸۶۵
نسبت نقدینگی	۵/۸۳۷	۰/۵۱۷	۱۱/۳۹۱	۰/۰۰۰۰
بازده حقوق صاحبان سهام	۲/۲۳۱	۰/۳۲۶	۶/۸۴۶	۰/۰۲۶۹
اندازه بانک	۰/۶۰۳	۰/۱۰۲	۵/۹۱۱	۰/۰۱۲۷
تسهیلات اعطایی	-۰/۴۷۱	۰/۰۹۲	-۵/۱۱۹	۰/۰۲۵۷
کفایت سرمایه	۰/۶۲۰	۰/۱۲۱	۵/۱۳۲	۰/۰۱۲۹
دوربین - واتسون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	سطح معناداری
۲,۱	۰/۷۸	۰/۷۲	۴۸/۸۷۹۵۷	**۰/۰۰۰

*سطح خطای ۵ درصد و **سطح خطای ۱ درصد

- با توجه به جدول ۵ همانطور که ملاحظه می‌گردد:

آماره دوربین- واتسون برابر با ۲,۱ می‌باشد و این نشان می‌دهد بین خطاها همبستگی وجود ندارد چرا که بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. ضریب تعیین تعدیل شده این آزمون برابر با ۰/۷۲ می‌باشد، که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل حاضر می‌توانند ۷۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (نرخ سود تضمین شده سپرده) را پیش بینی نمایند. به دلیل معنادار بودن آماره F در سطح خطای ۱ درصد، می‌توان گفت که مدل تحقیق از لحاظ آماری معنادار و مناسب می‌باشد.

فرضیه اول

H0= نسبت نقدینگی بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار نیست.

H1= نسبت نقدینگی بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است.

ضریب برآوردی متغیر نسبت نقدینگی و نرخ سود تضمین شده سپرده برابر با ۵/۸۳۷ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر نسبت نقدینگی و نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. بدلیل اینکه سطح

معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد کوچک تر است، می توان با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه اول تحقیق را تایید کرد بنابراین؛ نسبت نقدینگی بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است.

فرضیه دوم

H_0 = بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار نیست.

H_1 = بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است.

ضریب برآوردی متغیر بازده حقوق صاحبان سهام و نرخ سود تضمین شده سپرده برابر با $2/231$ می باشد که نشان می دهد بین متغیر بازده حقوق صاحبان سهام و نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. بدلیل اینکه سطح معناداری آماره t متغیر مستقل تحقیق از سطح خطای ۵ درصد کوچک تر است، می توان با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه دوم تحقیق را تایید کرد بنابراین؛ بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است.

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

هدف این تحقیق تاثیر نسبت نقدینگی و بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها بوده است. قلمرو مکانی این تحقیق بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی سال های بین ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ بوده است. تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد، چنانچه طبقه بندی انواع تحقیقات بر اساس ماهیت و روش را مدنظر قرار گیرد، روش تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت در زمره تحقیقات توصیفی قرار داشته و از نظر روش نیز در دسته تحقیقات علی محسوب می گردد. در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات، از روش کتابخانه ای استفاده شد. در بخش داده های پژوهش از طریق جمع آوری داده های شرکت های نمونه با مراجعه به صورت های مالی، یادداشت های توضیحی و ماهنامه بورس اوراق بهادار انجام پذیرفت. بر اساس روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۲۰ بانک به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. به منظور توصیف و تلیخیص داده های جمع آوری شده از آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. به منظور تحلیل داده ها ابتدا پیش آزمون های ناهمسانی واریانس، آزمون F لیمر، آزمون هاسمن و آزمون جاک - برا و سپس از آزمون رگرسیون چند متغیره برای تایید و رد فرضیه های تحقیق (نرم افزار ایویوز) استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان داد نسبت نقدینگی بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است. بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است.

با توجه نتیجه آزمون فرضیه اول "نسبت نقدینگی بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است." نظام بانکی جامع با مدیریت و طراحی انواع سپرده های بانکی بتواند به نیاز کسانی که در پی ذخیره سازی نقل و انتقال وجوه و مشارکت در ثواب معنوی و مشارکت در عمران و آبادانی هستند پاسخ دهد و هم نیاز کسانی را که به همراه برخی اهداف مذکور قصد کسب سود و درآمد دارند (آن هم با روحیات مختلف از جهت پذیرش ریسک) برآورد.

با توجه نتیجه آزمون فرضیه دوم "بازده حقوق صاحبان سهام بر نرخ سود تضمین شده سپرده بانکها تاثیرگذار است." با توجه به نتایج حاصل از تحقیق پیشنهاد می شود که همواره استفاده کنندگان صورت های مالی هنگام تجزیه تحلیل برای خرید سهام بانک ها به رابطه مثبت بین بازده حقوق صاحبان سهام و نرخ سپرده بانکها توجه داشته باشند.

با توجه به نتایج پژوهش، خلاصه پیشنهادات به شرح زیر می باشد:

- محدود کردن نسبت حجم تسهیلات اعطایی به میزان سپرده ها.

- ایجاد محدودیت در نسبت وام به سرمایه با توجه به تجربه عملیاتی بانک.

- مقایسه مستمر نیازهای موجود به وجوه نقد و میزان منابع در دسترس.
- رعایت قاعده تطابق زمانی بین سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها.

منابع

- ✓ باغستانی، علی اکبر، رحیمی، رضا، (۱۴۰۰)، بررسی رابطه بین نرخ سود و نقدینگی در بانک تجارت، فصلنامه اقتصاد محاسباتی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۴۵.
- ✓ زواریان، زهرا، (۱۳۸۸)، پیش بینی وضعیت جریان نقدینگی بانک به منظور تعیین نیاز نقدینگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- ✓ کردجزی، سپیده، قبادی، سارا، (۱۳۹۴)، عوامل مؤثر بر نرخ بازده حقوق صاحبان سهام بانکها: شواهدی از بازار بورس اوراق بهادار تهران، اولین همایش ملی پژوهش های کاربردی حسابداری، مدیریت اقتصاد، دامغان.
- ✓ کفائی، محمدعلی، راهزانی، محبوبه، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر نااطمینانی کالان اقتصادی بر ریسک نقدینگی بانک های ایران، پژوهش نامه اقتصادی (دانشگاه علامه طباطبائی).
- ✓ نوفرستی، مهدی، یزدانی، مهدی، بابائی، نسیم، (۱۴۰۰)، واکاوی اثر تغییر نرخ سود سپرده بانکی بر متغیرهای کلان اقتصاد در چارچوب الگوی اقتصادسنجی کلان ساختاری، پژوهش های رشد و توسعه پایدار (پژوهشهای اقتصادی)، دوره ۲۱، شماره ۳، صص ۴۱-۶۶.
- ✓ Acharya, V. V. & Mora, N. (2015). "A Crisis of Banks as Liquidity Provider ". The Journal of Finance 70(1).
- ✓ Cetorelli N, Goldberg L. (2018). Liquidity management of US global banks: Internal capital markets in the great recession. Staff Report. Federal Reserve Bank of New York, 511.
- ✓ De Wet J.H, E. Du Toit. (2007). Return on equity:A Popular, but flawed measure of corporate financial performance. SAJBM, 38: 59-69.
- ✓ Imbierowicz, B & Rauch, C. (2014). "The Relationship between Liquidity Risk and Credit Risk in Banks". Journal of Banking & Finance 40: 242-256.
- ✓ Jimnes, Thorsten. (2021). Bank Competition and Financial Stability: Friends or Foes?. Policy Research Working Paper No. 4656. World Bank, Washington, DC. © World Bank.
- ✓ Kang J, K. Kim, W. Henderson, (2002). Economic value added (EVA):A Financial Performance Measure. Journal of Accounting and Finance Research, 10: 48-60.
- ✓ Mazin A.M. (2009). Asset Market Liquidity Risk Management: A Generalized Theoretical Modeling Approach for Trading and Fund Management Portfolios.UAE University. White paper.
- ✓ Pauol, P. (2019). Concentration and other determinants of bank profitability in Europe, North America and Australia. Journal of Banking & Finance, 13(1), 65-79.
- ✓ Tabii, PP, Brissimis SN, Delis MD (2022) Bank-specific, industry-specific and macroeconomic determinants of bank profitability. J Int Financ Mark Inst Money 18: 121-136.
- ✓ Tankoyeva. V. Bazzana, F. & Gabriele, R. (2018). The Stability of the Financial System: An analysis of the Determinants of Russian Bank Failures, Research Handbook of Investing in the Triple Bottom Line, 114.
- ✓ Zhang P. and Nelson B. (2020). Simple Banking: Profitability and the Yield Curve. SSRN Electronic Journal. DOI:10.2139/ssrn.2413438 .